

شنبه ۱۶ دی‌پهشت ۱۴۰۲ - ۱۵ شول ۱۴۴۴ - ۶ مه ۲۰۲۳ - سال بیست و دوم - شماره ۵۷۹۹

پیگر حسام محمودی بازیگر جوان سینما و تلویزیون صبح جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه در میان حزن و اشک حاضران در قطعه هنرمندان بر خاک سپرده شد.

این بازیگر شامگاه ۱۲ اردیبهشت‌ماه بر اثر ایست قلبی در منزلش از دنیا رفت.پیگر او در میان اندوه خانواده و جمعی از مردم از درگذشت حسام محمودی در سن ۳۷ سالگی به آرامگاه ابدی بدرقه شد.

قطعه «خداحافظ ای داغ بر دل نشسته» و چند قطعه دیگر با هوای خاکسپاری، پیش از آغاز مراسم پخش شد.

باربد بابایی که اجرای مراسم را برعهده داشت در ابتدای سخنانش گفت: به خاطر هنرمند بودنش، مهربانی‌هایش حسام محمودی را تشویق کنید.

در ادامه از شهروه سلطانی دعوت شد تا سخنرانی کند.

شهره سلطانی - بازیگر - در سخنانی کوتاه یادآور شده:نم تقریبا ۹ ماه سر سرپال «لحظه گرگ و میش» با حسام محمودی همکار بودم. چه بگویم از خوبی و از شرافت و از مهربانی‌هایش چه بگویم؟!او همکار و دوست خوبی بود. چند ماه قبل قرار بود باز با هم کار کنیم اما قسمت نشد. روحش شاد. باز هم تشویفش کنید.

سپس علیرضا کمالی بازیگر به روی صحنه آمد و در سخنانی کوتاه از اندوه این فراق گفت: درحالی‌که بسیار متاثر بود.نوید محمودی کارگردان و تهیه‌کننده هم در سخنانی گفت: سال‌ها با حسام دوست بودم و خواهام بود.

او ادامه داد: دو شب پیش داشتم فکر می‌کردم، ما موجودات تنهایی هستیم که



اوشان محمودی که این روزها نمایش «گربه نره و روباه مکار» را روی صحنه می‌برد، گفت: به همه نظرها احترام می‌گذارم ولی شخصا بلد نیستم زیر پتو بجنگم یا اگر یک بار «ه» شنیدم، بگویم نمی‌گذارند کار کنم بلکه راه کار کردن را پیدا می‌کنم.

ایسن کارگردان تئاتر که نمایش خود را در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌برد، در گفتگو با ایسنا از ضرورت اجرای تئاتر سخن گفت و از تعطیلی جشنواره تئاتر دانشگاهی ابراز تاسف کرد. او در عین حال ابراز خوشنودی کرد که خانواده‌ها به تماشای نمایشش می‌آیند.

محمودی درباره اجرای تئاتر در شرایط فعلی و با توجه به برخی نگرش‌ها در زمینه تعطیلی تئاتر گفت: به نظرات همه دوستان و همکارانم احترام می‌گذارم. من هم مشکلات دو وگالگی‌ها را می‌بینم و بابت مسائل جامعه غمگینم ولی هر چیزی راهی دارد و اجازه نمی‌دهم دیگران برایم تصمیم‌گیری کنند همچنانکه من هم به خودم اجازه نمی‌دهم برای دیگران تعیین تکلیف کنم. در این مدت

## حسام محمودی آرام گرفت

# خداحافظ ای داغ بر دل نشسته



همه از ما توقع دارند.

او خطاب به مردم گفت: نمی‌دانید شادی

و غم شما چه بلایی سرمان می‌آورد و اینکه ما شما را راضی نگه داریم. م‌ها هر کدام از

این هنرمند سخنانش را اینگونه خطاب به مردم به پایان برد: مراقب ما باشید ما خیلی موجودات تنهایی هستیم که می‌خواهیم شما را راضی نگه داریم.

مجلسی برنامه هم در ادامه با اشاره به خانه‌نشینی برخی هنرمندان در چند ماه گذشته بر سخنان نوید محمودی تأکید کرد. پدر و همسر حسام محمودی با وجود درخواست مجری برنامه نتوانستند به دلیل شرایط روحی نامناسب روی صحنه برای سخنرانی حاضر شوند.

فقط دقایق کوتاهی پدرش در پایین سنن و کنار پیگر پسرش از اندوه غمش سخن گفت. پیگر حسام محمودی پس از خواندن نماز میت در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد. به دلیل ازدحام جمعیت سخنرانی‌ها کوتاه بود. هنرمندانی چون مازیار میری ، علیرضا کمالی، همایون اسعدیان، شهره سلطانی، هادی حجازی فر، فرید سجادی حسینی و… حضور داشتند.

محمودی که این روزها فیلم سینمایی «غریب» را روی پرده سینماها دارد،نخستین بار با سرپال «گاهی به پشت سر نگاه کن» مازیار میری بازیگری را شروع کرد و با مجموعه «گرگ و میش» همایون اسعدیان به شهرت رسید.

فیلم «عطرآلود» هادی مقدم‌دوست در کنار فیلم «غریب» از آخرین آثار این بازیگر در جشنواره فجر سال گذشته بودند. «مانتیسم عماد و طویبا»، «آستگیمات»، «سد معبر»، «سُرگ ماهی»، «امروز»، «حق سسکوت»، «مردن به وقت شهرپور»، «شب بیرون» و «خسته نباشید!» از دیگر فیلم‌های سینمایی این بازیگر بودند.

### یک کارگردان تاتر:

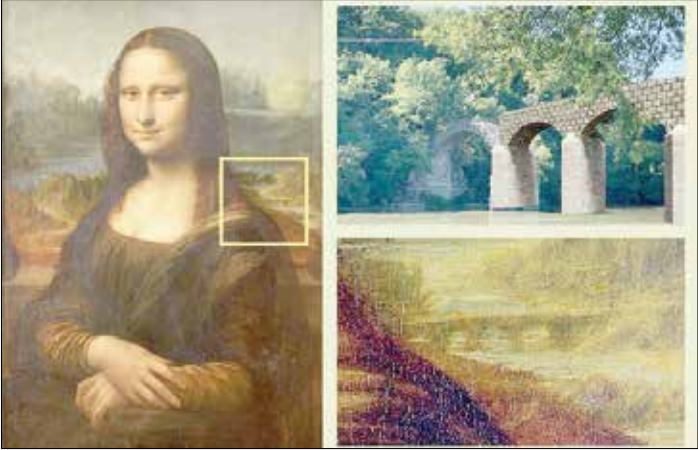
## بلد نیستم زیر پتو بجنگم!

محمودی اضافه کرد: از سوی دیگر به نوعی فانتزی علاقه‌مندم که هم مخاطبان بزرگسال را جذب کند و هم نوجوانان را. البته در چند سال اخیر انیمیشن‌هایی ساخته شده که هم مخاطبان کودک و هم نوجوان و بزرگسال هر یک درک و دریافت خود را از آن داشته‌اند

است که از گذشتگان به ما رسیده. هنرمندان بزرگی در بدترین و سخت‌ترین شرایط این هنر را زنده نگه داشتند و به ما رساندند و حالا خودمان داریم آن را از بین می‌بریم. محمودی که در سال‌های گذشته جزو برگزیدگان جشنواره دانشجویی بوده است، با ایسرا تاسف از تعطیلی این جشنواره یادآوری کرد: این همه نقد به جشنواره وارد می‌کردند اما حالا با حذف آن چه اتفاقی افتاد؟! چه دردی از تئاتر دانشگاهی درمان شد؟ مشکلات ما یکی دو تا نیست. خانه‌ای در تصور کنید که همه چیزش درست باشد و همه گروه‌های سنی را تمیرین ترین گروه‌های سنی تماشاکران آن هستند که کودکان امروز، با دوره کودکی ما بسیار متفاوت هستند و ابزارهایی مانند اینترنت و فضای مجازی در ایجاد این تفاوت نقش مهمی دارند.

او هرچند بزرگسالان را مخاطبان نمایش خود می‌داند، در عین حال توضیح داد: در آغاز تماشاکران بزرگسال بیشتر بودند ولی ما کم مخاطبان نوجوان و کودک هم اضافه شدند چون جنس کار به گونه‌ای است که همه گروه‌های سنی را درگیر می‌کند و در این مدت دیده‌ام که وقتی خانواده‌ها به تماشای این نمایش می‌آیند، هم پدر و مادران و هم بچه‌ها می‌توانند با کار ارتباط برقرار کنند. البته این موضوع کاملا آگاهانه است و در تمرین‌ها تماشاکران کودک را دعوت می‌کردم تا متوجه نوع ارتباط آنها با نمایش بشوم.

«پینوکیو» و «زیتو» هم به داستان «پینوکیو» توجه داشتم، در ادامه این گفتگو درباره پرداختن به این داستان گفت: «پینوکیو» داستان مورد علاقه من است و با اجرای نمایش «گربه نره و روباه مکار» سه گانه‌ای که از این داستان در نظر داشتم، به پایان می‌رسد. روایت‌هایی که در هر سه نمایش داریم، با وجود استقلال خود، با داستان «پینوکیو» ارتباطی مستقیم دارند.



«لئوناردو» در سال ۱۵۱۹، نقاشی «مونالیزا» در فرانسه جایی که این هنرمند سال‌های پایانی عمرش را گذانده بود، باقی ماند. این نقاشی برای چندین قرن در مالکیت خاندان سلطنتی باقی ماند تا این‌که در نهایت در سال ۱۷۹۷ به طور دائمی در موزه لوور به نمایش درآمد.

این شاهکار در اوایل قرن بیستم تقریبا هنوز برای افراد خارج از جهان هنر اثری ناشناخته محسوب می‌شد. اما در سال ۱۹۱۱ یک ماجرای سرق، این نقاشی را در مرکز توجه قرار داد. «وینچنزو پروجا» یکی از کارمندان ایتالیایی مسوز لوور با هدف بازگرداندن این

### هادی مرزبان خبر داد:

## نوبت دیوانگی منظر تصمیم تالار وحدت است

این کارگردان تئاتر درباره وضعیت اجرای این نمایش ب ایسنا گفت: به تازگی درباره اجرای نمایش «نوبت دیوانگی» با تالار وحدت صحبتی داشتم‌ایم و فعلا مدیر این تالار مشغول بررسی برنامه‌های آن است تا ببینیم چه زمانی می‌توانند سالن را در اختیار ما بگذارند و امیدوارم بتوانند زمستان امسال، دی و بهمن یا حتی بهمن و اسفند با اینکه زمان چندان مناسبی نیست، نوبتی را برای اجرای ما در نظر بگیرند.

او که پیش از این همین نمایش را سال ۸۳ در تالار وحدت روی صحنه برده بود،



نگاره

### این ۳۰ نفر چگونه عاقبت به‌خیر شدند؟

حسین در کردستان فرمانده محور دزلی بود، همیشه کومه‌ها را زیر نظر داشت، آنسان از حسین ضربه‌های زیادی خورده و برای همین هم برای سرش جایزه گذاشته بودند. یک روز سر راه حسین کمین گذاشتند.

او پیاده بود، وقتی متوجه کمین کومه‌ها شد، سریع روی زمین دراز کشید و سینه خیز و خیلی آهسته خودش را به پشت کمین کشید و فردی را که در کمینش بود به اسارت درمی‌آورد، به گزارش ایسنا، شهید حسین قجه‌ای فرمانده گردان سلمان فارسی روز چهاردهم شهریورماه سال ۱۳۳۷ حسینعلی در زرین شهر اصفهان در دستان خسته پدر کشاورزش جای گرفت و در سایه تربیت عالمانه پدر رشدکرد. او در سن ۷ سالگی به مدرسه رفت و تا اخذ مدرک دیپلم به تحصیل ادامه داد. حسین در سال ۱۳۵۳ وارد فعالیت‌های سیاسی شد و در سال ۱۳۵۶ به قم مهاجرت کرد و توسط مأموران ساواک دستگیر شد. وی چند مرتبه نیز به منظور فعالیت‌های سیاسی به شیراز و قم سفر کرد.

سرانجام انقلاب اسلامی پیروز شد. چند ماه بعد از پیروزی، منافقین دست به کار شدند و در داس به تبلیغ و وسیع پرداختند، افکار نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر قرار داده، سعی می‌کردند به هر نحوی که شده، آن‌ها را جذب کرده، از مسیر اسلام و انقلاب و امام باز دارند. در مدرسه‌ای که حسین درس می‌خواند، یکی از معلمین گرایش شدیدی به سازمان منافقین داشت و اهداف این گروهک پلید و وابسته را برای دانش آموزان طرح می‌کرد. حسین چندین بار سعی کرد با صحبت، او را از این کار باز دارد که موفق نشد، تا سرانجام به درگیری شدید میان او و معلم منجر شد.

از همان جا حسین عزم خود را برای مبارزه با خط نفاق و گروهک‌های وابسته جزم کرد و فهیمد که دشمنان هنوز نمرده‌اند، بلکه لباس عوض کرده‌اند. فرماندهی سپاه زرین شهر تشکیل گروه ضربت برای مبارزه با مواد مخدر و توزیع کنندگان آن. یکی دیگر از فعالیت‌های حسین پس از انقلاب بود. در پی صدور فرمان امام خمینی مبنی بر تشکیل سپاه پاسداران، حسین به این نهاد انقلابی پیوست و در تشکیل و سازماندهی سپاه زرین شهر نقش بسزایی داشت و خود آن را به عهده گرفت.

بعد از شرکت در عملیات فتح‌المبین با سمت فرمانده گردان سلمان فارسی در عملیات الی بیت‌المقدس شرکت کرد و سرانجام در جاده اهواز - خرمشهر در تاریخ ۱۳۴۲/۱۵/۲ در سنن ۲۵ سالگی بر اثر اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید.

هم‌زمان او که شاهد نبرد بی امانش در جاده اهواز-خرمشهر بودند روایت کرده‌اند:

صدای حسین قجه‌ای را از بی‌سیم شنیدم که می‌گفت:«خط را شکستیم ولی حالا افتادیم توی حلقه، اینجا قورباغه (تانک) زیاد دارد از پشت سر و روبرو ما را می‌کویند؛ مفهومی؟» حاج همت قاضی را از حاج احمد در میان گذاشت. بالاخره حاج احمد موفق شد با قرارگاه هماهنگ کند تا نیروهای تیپ نجف اشرف و تیپ عاشورا بتوانند از دو جناح ما عمل کنند. تا آن یگان‌ها خودشان را برای عملیات حاضر کنند مقداری زمان لازم بود یعنی از شب اول تا شب دوم عملیات در این ۲۴ ساعت عملا بارسنگین عملیات بردوش حاج احمد و قجه‌های تیپ ۲۷ خصوصاُ گردان سلمان افتاد. مشکلات، حاج احمد را احاطه کرده بود، زیرا نمی‌توانست برای رزمندگان گردان سلمان درخواست آتش تویخانه کند. چون امکان داشت ناخواسته نیروهای گردان سلمان نیز زیر آتش خودی قرار گیرند. در عوض تویخانه دشمن انبوهی از آتش سنگین تویخانه خود را بر سرچیان گردان سلمان بسته بود. سردار حسین قجه‌ای و رزمندگان تحت امر او از ساعت ۱۱ و نیم تا حوالی ۲ و نیم بمباد در یک چنین وضعیت دشواری در حلقه گاز انبری محاصره دشمن دوام آورده بودند.

### حاج همت مسئول اجرای عقب‌نشینی گردان سلمان شد

قرار شد برای حل این مشکل، گردان تازه نفس دیگری را جهت شکستن خط دشمن، به غرب کارون اعزام کنند. منتها قرار شد تا به هر طریق نیروهای گردان سلمان فارسی عقب نشینی کنند. حاج احمد مسئولیت اجرای عقب نشینی گردان سلمان را به حاج همت واگذار کرد. از این سو رزمندگان با همان سلاح‌های سبک خود همچنان مشغول دفع پاتک‌های بی در پی ارباهای اهتین دشمن بودند. قرار نبود که بچه‌ها جلوی دشمن ایستادی خود را از دست بدهند. علاوه بر اسلحه سبک چند قبهه آریبی چی هفت، تمام سلاح نیروهای گردان جان بر کف سلمان بود. دشمن می‌دانست اگر این مواضع مقاومت کند همه چیز به ضررش تمام خواهد شد از این رو تانک‌های مدرن تی ۷۲ خود را به میدان کارزار وارد کرد. از خط عقب بی سیم می‌زدند که باید عقب نشینی کنند ولی دیگر دیر شده بود. حسین و یارانش درحلقه محاصره قرار گرفته بودند و چاره‌ای نبود، با سلاح‌ها را زمین باید می‌گذاشتند و خفت اسارت را قبول می‌کردند و با اینکه بنا گفتا تا آخرین قطره خون خود ایستادگی می‌کردند و شاعر شهیات من الله را با خون خود همپور می‌نمودند. دشمن جواب هر گلوله تفنگ را با گلوله مستقیم تانک می‌داد. نبردی عاشورایی و نابرابر ادامه داشت، نزدیکی‌های صبح بود که حاج همت برای یافتن چاره نجات بچه‌های گردان سلمان از آن وضعیت بشدت بحرانی به همراه چند نفر توانست شکافی در حلقه محاصره ایجاد کند و بطور معجزه آسایی خودش را به حسین و یارانش برساند. زمانی که حاج همت وارد منطقه گردان سلمان شد، دید که از آن نیروهای شب قبل ۳۰ الی ۴۰ نفر بیشتر زنده نمانده‌اند و خیلی از مجروحان نیز جراحات‌های مهلکی بر تن دارند. حاج همت پس از در آغوش گرفتن حسین اصرار کرد که حسین و هر که می‌تواند به همراه او به عقب برگردد ولی حسین قبول نمی‌کرد. حسین قجه‌ای می‌گفت: «حاجی من اگر توان شکستن حلقه محاصره از عقب را داشته باشم و عقب نشینی کنم خوب چرا اینکار را از روبرو انجام ندهم و به پیشروی فکر نکنم.»

### حسین قجه‌ای و بچه‌های گردان هم قسم شده بودند

حسین نهایتا در برابر اصرار‌های مکرر حاج همت گفت: من و بچه‌های گردان دیشب هم قسم شدیم که یا همه با هم به خرمشهر می‌رسیم و یا اینکه تا آخرین قطره خونمان به وظیفه مان عمل می‌کنیم. حاج همت حسین را در آغوش کشید، گریستند و لحظاتی در آن فضای روحانی شهادت یکدیگر را برانداز کردند، حاج همت دوباره از گوشه‌های بعد از شکست حلقه محاصره به سمت قرارگاه بازگشت. حالا دیگر حسین نیز قیضه از پی چی در دست به شکار تانک رو آورده بود. بچه‌های گردان سلمان خسته و مجروح در اطراف خاکریز همچنان مقاومت می‌کردند. آمار شهدا نیز بیشتر از دیشب شدن بود. حسین با آریبی چی به شکار تانک‌ها ادامه می‌داد ولی تانک‌های مردن تی ۷۲ شکارشان بسیار مشکل است. گلوله‌ها کمانه می‌کردند. در عین حال حسین با تمام توان سعی خودش را می‌کرد. با شلیک حسین یک تانک منهدم شد و همه خوشحال شدند و آماده شد برای یک شلیک دیگر که یکباره موج انفجار حسین را به گوشه ای برد. مدت مقاومت همچنان ادامه داشت. صدای بیسیم برای بار آخر بگوش رسید و اینبار حسین گفت: حاجی من دیگر غیر از خدا یاری ندارم، همه یا شهید شده‌اند یا مجروح؛ برای آخرین بار گلوله آریبی چی را آماده شلیک کرد. به روی خاکریز رفت ولی اینبار تانک پیش دستی کرد و حسین قجه‌ای به شهادت رسید.

### حتی یک رزمنده هم از گردان سلمان باقی نماند

تا آن لحظه حسین قجه‌ای و معدود نیروهای قادر به رزم او توانسته بودند به مقاومت مومنانه و نابرابر خوییش در مقابل یورش‌های پی در پی دو تیپ دشمن ادامه دهند. وقتی نیروهای این دو گردان به بچه‌های «گردان سلمان» رسیدند؛ حتی یک نفر از آنها هم زنده نمانده بود. حتی خود حسین هم در آخرین لحظات به طور مظلومانه‌ای شهید شده بود.

شهید قجه‌ای نسبت به نماز خویش اهمیت بسیاری قائل بود. از یادداشت‌های او می‌شود فهیمد که در طی حیات خویش چه اندازه در برابر خدای خویش اخلاص داشته و نماز را چگونه به پا می‌داشته است و او خود را مقید کرده بود که با شنیدن صدای اذان، نماز به پا داشته و از انجصاص هر کار دیگری بپرهیزد. حسین همواره سعی می‌کرد اخلاق حسنه اسلامی را رعایت کند و از برخورد‌های تند بپرهیزد. غالبا صبح‌های زود، پس از نماز ورزش می‌کرد، با کوهستان و کوه‌های سر به فلک کشیده مانوس بود. شهید قجه‌ای که خود از خانواده‌ای مستعفن بود، هیچ گاه گرسنگان و مستمندان را از یاد نمی‌برد.

### ۳۰ کومه‌ای که از یاران حسین قجه‌ای شدند

حسین در کردستان فرمانده محور دزلی بود، همیشه کومه‌ها را زیر نظر داشت، آنان از حسین ضربه‌های زیادی خورده بودند و برای همین هم برای سرش جایزه گذاشته بودند. یک روز سر راه حسین کمین گذاشتند.